

ناتمامه روح همیشه در
روح من باقی ماند
در حاشیه‌ی داستان

ابوتراب خسروی

نشر
تیما

زمین، انسان، خیال و نوشتار

ما اینک با معیار تقویم میلادی در ابتدای قرن بیست و یکم زندگی می‌کنیم. البته تقویم‌های دیگری هم هست که شاید دامنه بحثی را که پیش رو داریم وسعت دهد. قطعاً ایجاد تاریخ‌های متفاوت در جوامع مختلف نقطه‌ی عطف تاریخ انسان است. بدین معنا که هر جامعه در حوالی مبدأ تاریخی که ایجاد می‌کند به بلوغ فکری رسیده و به ضرورت ارجاع به مضامین مختلف در راستای تاریخ پی برده بوده است. و هم آن‌که مسلم است که ایجاد مبدأ تاریخ مدت‌های مدید پس از اختراع خط و توسعه‌ی نوشتن رخ داده است. هرچند که ماقبل از اختراع کتابت، روایت‌های تاریخ و نیز دیگر معارف بشری سینه‌به‌سینه منتقل می‌شده است. حتی در دوران ما، در قبایل بدوی آفریقایی، کاهنانی هستند که حامل تاریخ قبیله و معارف دودمان و سرزمین خود هستند. به‌شکلی که حتی طبق واحد بومی خود، سنوات خود سال و ماه و روز تولد و مرگ مردان قبیله‌ی خود را به‌شکل شگفتی از برند و روایت می‌کنند. ولی احتمالاً درک کارکرد تاریخ و دیگر معارف بدون ثباتی و نوشتار تأثیری زیادی در توسعه‌ی جوامع نداشته است. شاید بعد از ایجاد تقویم تاریخ در هر جامعه‌ی انسانی بوده که شکل زندگی مادی و معنوی آن جامعه متحول شده و توسعه یافته است. به‌هرروی، زندگی انسان از پس هزاره‌ها کار مداوم مادی و معنوی نسل‌های بشری به وضعیت امروز رسیده، به‌نحوی که زندگی و گذران غارنشینی و سپس قبیله‌ای و شبانی به وضعیت امروز منجر شده است. دانشمندان زیادی